



University of Tehran Press

## Investigating the Impact of Artificial Intelligence (AI) on Contemporary Human Religiosity in the Three Fields of Anthropology, Value Theory, and Epistemology

Ali Yousefi Hanomarour<sup>1\*</sup> | Ali Karbalaei Pazouki<sup>2</sup> | Saleh Hasanzadeh<sup>3</sup> |  
Mojtaba Rostami Kia<sup>4</sup>

1. Corresponding Author, Department of Islamic Education, Faculty of Theology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: [a\\_usofi@atu.ac.ir](mailto:a_usofi@atu.ac.ir)
2. Department of Islamic Studies, Faculty of Theology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: [Karbalaeipazouki@atu.ac.ir](mailto:Karbalaeipazouki@atu.ac.ir)
3. Department of Islamic Studies, Faculty of Theology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: [hasanzadeh@atu.ac.ir](mailto:hasanzadeh@atu.ac.ir)
4. PhD in Islamic Studies, Qom University and Seminary. Email: [kia.mojtaba1365@gmail.com](mailto:kia.mojtaba1365@gmail.com)

### ARTICLE INFO

**Article type:**  
Research Article

**Article History:**  
**Received:** 2025 November 16  
**Revised:** 2026 February 24  
**Accepted:** 2026 March 08  
**Published online:** 2026 June 21

### Keywords:

Artificial intelligence  
Epistemology  
Religiosity,  
Anthropology  
Value theory.

### ABSTRACT

The question of life's meaning remains a fundamental practical inquiry in both analytical and continental philosophy. This article critically examines and compares the perspectives of Thomas Nagel and Jean-Paul Sartre on this existential issue. Nagel approaches the absurdity of life as an inescapable conflict between an external, objective viewpoint—rendering life trivial—and an internal, subjective standpoint that asserts its profound significance. He proposes confronting this absurdity through irony, enabling a pragmatic persistence in life. Conversely, Sartre rejects the existence of predetermined essence or objective, external values, arguing that human beings are endowed with absolute freedom. For Sartre, meaning and ethical frameworks are not discovered but are actively forged through individual agency. By critically evaluating these contrasting frameworks, this study highlights the tensions between Nagel's ironic confrontation with the absurd and Sartre's existentialist assertion of radical freedom, ultimately assessing the implications of these theories for contemporary existential discourse.

**Cite this article:** Yousefi Hanomarour, A.; Karbalaei Pazouki, A.; Hasanzadeh, S. & Rostami Kia, M. (2026). Investigating the Impact of Artificial Intelligence (AI) on Contemporary Human Religiosity in the Three Fields of Anthropology, Value Theory, and Epistemology. *Philosophy of Religion*, 23, (2), 115-130. <http://doi.org/10.22059/jpht.2026.404308.1006152>



© Authors retain the copyright and full publishing rights.  
DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2026.404308.1006152>

**Publisher:** University of Tehran Press.



دانشگاه تهران

## نشریه فلسفه دین

شاپا الکترونیکی: ۶۲۳۳-۲۴۲۳

سایت نشریه: <https://jpht.ut.ac.ir>

# بررسی تأثیر هوش مصنوعی (AI) بر دین‌داری انسان معاصر (در سه حوزه انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی، معرفت‌شناسی)

علی یوسفی هنومرور<sup>۱</sup> | علی کربلایی پازوکی<sup>۲</sup> | صالح حسن‌زاده<sup>۳</sup> | مجتبی رستمی کیا<sup>۴</sup>

۱. نویسنده مسئول، گروه مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. رایانامه: [a\\_usofi@atu.ac.ir](mailto:a_usofi@atu.ac.ir)

۲. گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. رایانامه: [Karbalaecipazoki@atu.ac.ir](mailto:Karbalaecipazoki@atu.ac.ir)

۳. گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. رایانامه: [hasanzadeh@atu.ac.ir](mailto:hasanzadeh@atu.ac.ir)

۴. استادیار حوزه و دانشگاه، قم، ایران. رایانامه: [kia.mojtaba1365@gmail.com](mailto:kia.mojtaba1365@gmail.com)

### اطلاعات مقاله

### چکیده

#### نوع مقاله:

پژوهشی

#### تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۳۱

#### کلیدواژه:

ارزش‌شناختی،

انسان‌شناسی،

دین‌داری،

معرفت‌شناختی،

هوش مصنوعی.

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر هوش مصنوعی (AI) بر دین‌داری انسان معاصر در سه حوزه انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی، و معرفت‌شناختی می‌پردازد. جامعه آماری شامل سی استاد متخصص در حوزه‌های هوش مصنوعی و الهیات است که به پرسش‌های طراحی شده پاسخ داده‌اند. روش پژوهش کمی با تحلیل محتوای کیفی داده‌ها و بررسی اسنادی است. یافته‌ها نشان می‌دهد نگرش استادان به هوش مصنوعی چندبعدی و متنوع است. از منظر آنان، در حوزه معرفت‌شناسی دینی، اگرچه هوش مصنوعی در پردازش داده‌ها توانمند است و دسترسی انسان به منابع دینی را تسهیل می‌کند، اطلاعات جایگزین معرفت می‌شود که این امر شکاکیت معرفتی و تغییر مرجع و معیار معرفتی از منابع انسانی و مکتوب به داده‌های متکثر ماشینی را به دنبال دارد. از طرفی در حوزه انسان‌شناسی باور به ظهور ویژگی‌هایی چون روح و حیات پس از مرگ در هوش مصنوعی با تردید مواجه است و هوش مصنوعی، به واسطه اتکا بر ماشین، بسیاری از مبانی ارزشی و اخلاقی را دستخوش تغییر خواهد کرد. اگرچه پیشرفت‌های فناورانه و آثار مثبت هوش مصنوعی در دین‌داری انسان معاصر مورد تأیید مصاحبه‌شوندگان است، آنان تأکید دارند که پیامدهای منفی و چالش‌های اخلاقی، معرفت‌شناختی، و انسان‌شناسی این فناوری نباید مورد غفلت قرار گیرد.

**استناد:** یوسفی هنومرور، علی؛ کربلایی پازوکی، علی؛ حسن‌زاده، صالح و رستمی کیا، مجتبی (۱۴۰۵). بررسی تأثیر هوش مصنوعی (AI) بر دین‌داری انسان معاصر (در سه حوزه انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی، معرفت‌شناسی). *فلسفه دین*، ۲۳ (۲) ۱۱۵-۱۳۰.

<http://doi.org/10.22059/jpht.2026.404308.1006152>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2026.404308.1006152>

© نویسندگان



## مقدمه

هوش مصنوعی به عنوان فناوری نوظهور نه تنها ساختارهای فنی بلکه حوزه معنوی و دینی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (قائم‌نیا، ۱۴۰۳). پرسش اصلی این است که آیا AI می‌تواند مفاهیم دینی را صرفاً به صورت داده پردازش کند یا به عنوان منبع «معرفت» معنوی شناخته شود. برای پاسخ به این سؤال، مقاله با رویکرد میان‌رشته‌ای (الهیات + فلسفه + فناوری) به بررسی تأثیر AI در سه بُعد انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی، و معرفت‌شناسی می‌پردازد.

اگر بخواهیم تعریفی از این دانش ارائه کنیم باید گفت: «دانش هوش مصنوعی عبارت است از مطالعه توان‌های ذهنی از طریق کاربرد مدل‌های محاسباتی» یا به عبارت ساده‌تر هوش مصنوعی عبارت است از ماشینی که کارهایی انجام دهد که یک انسان با ذهن خود انجام می‌دهد (Charniak & McDermott, 1985: 47).

در قرن بیستم، با پدید آمدن رایانه‌ها، این فرضیه قوت گرفت که این ماشین‌ها مشابه ذهن انسان هستند و با توسعه و پیشرفت علوم رایانه‌ای دانشمندان توانستند رایانه‌هایی بسازند که همه قابلیت‌های ذهن انسان را دارا باشند. این پروژه هوش مصنوعی نامیده شد.

امروزه، الگوهای فرهنگی خاص (از نظر معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی) بر فضای سایبر حکمرانی می‌کنند و خوراک فکری مخاطبان خود را فراهم می‌آورند. از این‌رو، نگارنده در این نوشتار می‌کوشد با رویکرد آینده‌پژوهانه آینده‌الهیات و به‌ویژه آینده‌دین‌داری را بررسی کند و با توجه به پیشران بودن هوش مصنوعی پیامدهای مثبت و منفی آن را از منظر انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، و ارزش‌شناختی در حوزه دین‌داری تحلیل کند.

این پژوهش در یک فعالیت آماری مصاحبه‌ای با تحلیل محتوای کیفی به تأثیر هوش مصنوعی بر دین‌داری انسان معاصر در سه حوزه انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی، و معرفت‌شناسی می‌پردازد. جامعه آماری این پژوهش ۳۰ نفر از استادان متخصص در حوزه‌های هوش مصنوعی و الهیات است که به سؤالات طراحی‌شده پاسخ داده‌اند. هوش مصنوعی به عنوان یکی از مهم‌ترین فناوری‌های نوظهور در حال دگرگونی بسیاری از جنبه‌های زندگی انسان از جمله دین و معنویت است. ظهور هوش مصنوعی پرسش‌های جدیدی را در مورد رابطه انسان با خدا، معنای زندگی و جایگاه دین در دنیای مدرن، و اخلاق دینی مطرح می‌کند (قائم‌نیا، ۱۴۰۳: ۹). افزون بر این، امروزه الگوهای فرهنگی خاص (از نظر معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی) بر فضای سایبر حکمرانی و خوراک فکری مخاطبان خود را تهیه می‌کند که در عصر حاضر ابعاد مختلف زندگی انسان مجازی به شمار می‌رود (قائم‌نیا، ۱۴۰۳: ۱۲). این ویژگی‌ها سرشت انسان مجازی و نحوه دین‌داری او را تعیین خواهند کرد. از این‌رو، بررسی معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی در فضای سایبر و رابطه هوش مصنوعی با دین‌داری یک ضرورت برای بشر امروزی است.

یکی از مهم‌ترین مسائل انسان‌شناسی بررسی سبک زندگی انسان‌ها در فضای مجازی است (حسینی، ۱۳۹۹: ۲۵) و امروز ماشین‌هایی که فضای مجازی را برای ما ایجاد کرده‌اند (حسینی، ۱۴۰۳: ۲۶) جزء جدایی‌ناپذیر زندگی انسان‌ها شده‌اند و سبب سلب اختیار انسان، سلب آسایش، کالایی شدن دوستی‌ها، سیال شدن روابط، و ... شده‌اند (شاملی، ۱۴۰۲: ۱۱) و از طرفی هوش مصنوعی می‌تواند مبانی اخلاقی و ارزش‌شناختی را دچار تغییر و تحولات جدی کند و نظام اخلاق دین‌دارانه جدیدی را بنیان نهد (رضوان‌علی‌بیگ، ۱۴۰۲: ۱۵) و به واسطه نحوه تعامل انسان مجازی شده در فضای مجازی و افزودن اطلاعات یا دیتای غلط به شبکه، امکان بروز و ظهور مسائل اخلاقی مختلفی را به وجود می‌آورد و همچنین در فضای سایبر اطلاعات<sup>۱</sup> به جای معرفت<sup>۲</sup> می‌نشیند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲۳) که به شیوه‌های گوناگونی پردازش می‌شود و انسان معاصر در این فضا با انبوهی از اطلاعات روبه‌رو است که صرفاً بر اساس گواهی شبکه‌های اجتماعی و ... آن را می‌پذیرد و اعتبار معرفت‌شناختی آن را به همین می‌داند که که در اینترنت یا شبکه‌های اجتماعی آمده است (قائم‌نیا، ۱۴۰۳: ۹).

## پیشینه پژوهش

در مورد پیشینه پژوهش آثار کمی در ارتباط با هوش مصنوعی و تأثیر آن بر دین‌داری انسان در حوزه معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی و انسان‌شناختی با توجه به تحلیل محتوای کیفی به نگارش درآمده است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

## ۱- حوزه‌های مطالعاتی و منابع کلیدی در الهیات و هوش مصنوعی

حوزه	مرجع‌های کلیدی	نکات اصلی
Theology Cyber	Spadaro, 2014; George, 2011	تکنولوژی به عنوان بستر جدید برای تجربه دینی؛ نقدهای مربوط به کاهش معنا
اخلاق ماشین	Copeland, 1993; Anderson, 2011; Gips, 2011	مسئله «مسئولیت‌پذیری» و «ارزش‌گذاری اخلاقی AI»
فلسفه دین فناوری	قاضی‌زاده، ۱۴۰۲؛ ملاصدرا ق ۱۱	مفاهیم «روح»، «نفس»، و «بدن‌مندی» در مقابل AI
مطالعات جدید	Hou et al., 2024	تجزیه و تحلیل داده‌های بزرگ دینی؛ چارچوب‌های اخلاقی برای AI در معارف
منابع داخلی	سعیدی، ۱۴۰۲؛ حسینی، ۱۴۰۲؛ هاشمی، ۱۴۰۳	تعریف‌های بومی هوش مصنوعی و بررسی تأثیر آن بر دین‌داری

و همچنین موارد دیگر از جمله:

Cybertheology Antonio Spadaro Fordham University Press New York 2014

در کتاب *الهیات سایبر* از اسپادور وی به مسئله ایمان مسیحی در دوره اینترنت توجه نشان دادند. اسپادور با عبور از تلقی‌های اولیه که اینترنت و سایر رسانه‌های اجتماعی را صرفاً ابزاری برای گسترش انجیل می‌دانستند با استفاده از نظریات افرادی همچون مارشال مک‌لوهان<sup>۱</sup> از فضای انسان‌شناختی جدیدی سخن به میان آورد که امور مسیحی دیگری همچون نجات سایبری، تبشیر سایبری، فیض و رستاخیز سایبری را رقم می‌زد. در این رویکرد فضای مجازی بستر جدیدی برای الهیات است، خدای مسیحی در فضای سایبر سکونت دارد، و ارتباطات درهم‌تنیده انسانی «خانواده خدا» را محقق می‌کند. در کنار این مواجهه خوش‌بینانه و امیدوارانه از تلاقی ایمان و فضای سایبر، نقدها، و دغدغه‌ها نگرانی‌های جدی نسبت به این رویکرد الهیاتی به فضای سایبر ابراز شده است. اما در پژوهش حاضر تمرکز و تأکید بر دین‌داری انسان معاصر است که در سه حوزه معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، و انسان‌شناسی بحث خواهد کرد.

C: Jack Copeland - Artificial Intelligence\_ A Philosophical Introduction Wiley-Blackwell

در کتاب *هوش مصنوعی*، از جک کوپلند (Copeland, 1993)، آمده است که آیا در آینده یک ماشین می‌تواند آگاهی داشته باشد و اگر در آینده ربات‌های متفکر ایجاد شود آیا آن مصنوعات قادر به اراده آزاد هستند یا نه. او در جمع‌بندی نهایی به این نتیجه می‌رسد که پیش‌داوری رایج آن است که ماشین با اراده آزاد یک تناقض است.

در مقاله «دین و رسانه‌های نوین، طرح پرسش دینی از ربات‌های هوش مصنوعی» که در *مجله مطالعات دینی رسانه*، در سال ۱۴۰۳، به قلم سید نجم‌الدین امیرشاه‌کرمی تدوین شده است، با رویکرد کیفی، به نقش رسانه‌های نوین مجهز به هوش مصنوعی در حوزه دین پرداخته شده است. مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که هوش مصنوعی می‌تواند در پاسخ‌دهی به پرسش‌های دینی و تفسیر متون مذهبی مؤثر باشد. اما چالش‌هایی درباره نحوه ارائه و فهم این اطلاعات وجود دارد. مقاله بر لزوم نقد رویکردهای موجود، شناخت فرصت‌ها و مخاطرات، و توسعه تعامل آگاهانه کاربران تأکید دارد و به صورت خاص بر دین‌داری متمرکز نشده است.

در منابع فارسی منبعی که به صورت مستقل به مسئله هوش مصنوعی و رابطه آن با دین‌داری انسان معاصر بپردازد یافت نشد. عمده نوشته‌ها در معرفی هوش مصنوعی و نحوه کارکرد آن در کسب علم و معرفت است.

با توجه به کثرت و تفاوت آموزه‌های دینی در جهان، به‌ویژه وجود تناقض‌هایی میان ادیان مختلف، لازم است که تعریف دقیقی از دین در این پژوهش ارائه شود. در این مطالعه، دین مورد نظر دین اسلام، به عنوان دین اکثریت جامعه، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. این انتخاب، بر اساس محورهای الهیاتی، متافیزیکی، و اخلاقی که در پاسخ‌های شرکت‌کنندگان بازتاب

یافته و نیز با توجه به زمینه فرهنگی و دینی مخاطبان صورت گرفته است. بررسی ویژه دین اسلام امکان تحلیل عمیق‌تر و متناسب‌تری از تأثیر هوش مصنوعی بر آموزه‌ها و باورهای دینی را فراهم می‌کند. این مرور نشان می‌دهد پژوهش‌های پیشین به طور عمده به کارکردهای فنی AI پرداخته‌اند؛ درحالی‌که بررسی جامع در بُعدهای معرفت، ارزش، و انسان‌شناسی همچنان کمبود دارد.

## مفهوم‌شناسی

### هوش

هوش در لغت به معنای زیرکی و باهوشی و شعور و خرد تعبیر شده است (معین، ۱۳۸۰: مدخل هوش). در روان‌شناسی هوش به معنای توانایی سازگاری با محیط، تفکر، انجام دادن رفتارهایی خاص، یا موفقیت در آزمون‌های خاص است (عباس‌زاده جهرمی، ۱۳۹۰: ۲۲). علامه حلی هوش را به معنای شدت قوای ذهنی مطرح کرده است (حلی، ۱۳۷۹: ۴۰۵).

### هوش مصنوعی

هوش مصنوعی عبارت است از بررسی روش‌های استفاده از سیستم‌ها مبتنی بر رایانه جهت انجام دادن وظایف یا حل مسائلی که به طور معمول توسط قوای ذهنی انسان‌ها انجام می‌شود (داوودآبادی و خزاعی، ۱۳۸۷: ۹۶). از طرف دیگر، می‌توان هوش مصنوعی را به دو صورت هوش مصنوعی قوی و هوش مصنوعی ضعیف دسته‌بندی کرد (مطلبی کربکندی، ۱۳۹۳: ۱۷۵). اما نظریه‌پردازان هوش مصنوعی تعاریف دیگری از هوش مصنوعی ارائه داده‌اند از جمله:

- مطالعه توانایی‌های ذهنی از طریق مدل‌های محاسباتی (Charniak & McDermott, 1985).

- مطالعه محاسباتی که منجر به درک و استدلال می‌شود (ویتون، ۱۹۹۲).

در کنار تعاریف فنی، دیدگاه‌های فلسفی نیز هوش مصنوعی را از منظر اهداف و اصول زیربنایی مطالعه کرده‌اند. بر این اساس، *دایره‌المعارف فلسفه استنفورد*<sup>۱</sup> هوش مصنوعی را «تلاشی برای درک و ساخت موجودیت‌های هوشمند مصنوعی<sup>۲</sup> و بررسی ماهیت هوش از طریق ساختن آن» توصیف می‌کند. این تعریف بر جنبه‌های شناختی، منطقی، و مهندسی تأکید دارد و هدف نهایی هوش مصنوعی را درک اصول هوش از طریق بازآفرینی آن می‌داند (McCarthy, 2024).

### الهیات سایر

در مورد الهیات سایر<sup>۳</sup> تعاریف‌های گوناگونی بیان شده است. مثلاً سوزان جورج<sup>۴</sup> در مورد الهیات سایر معتقد است که الهیات برای فضای سایر روش‌هایی را در بر می‌گیرد که مردم می‌توانند از طریق آن عمل دینی را در فضای سایر انجام دهند و آن روش‌ها متکی بر کامپیوتر است (جورج، ۱۳۹۰: ۳۲۸). الهیات گاهی به معنای خداشناسی و یزدان‌شناسی است و درباره خدا بحث می‌کند. آنتونیو اسپارادو، کشیش ایتالیایی، چهار تعریف در مورد الهیات سایر به کار برده است که عبارت‌اند از:

الف) الهیات به معنای ارتباط اجتماعی داشتن در عصر اینترنت؛

ب) تأمل و تدبر کشیشان در چگونگی ارتباط با انجیل از طریق وب؛

ج) تأمل و تدبر پدیدارشناسانه در حضور پدیده‌های دینی در اینترنت؛

د) چگونگی ظرفیت وب به عنوان مکانی با ظرفیت‌های معنوی (قائم‌نیا، ۱۴۰۰: ۱۰).

در این نوشتار برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون<sup>۵</sup> استفاده شده است تا رابطه همبستگی بین هوش مصنوعی و متغیرهای پژوهش (معرفت‌شناسی دینی، انسان‌شناسی دینی، ارزش‌شناسی دینی) به دست آید. این ضریب همبستگی

1. Stanford Encyclopedia of Philosophy  
2. artificial intelligent entities  
3. cyber theology  
4. Susan George  
5. pearson correlation method

به صورت عددی بین ۱- و ۱+ نشان می‌دهد که چه مقدار و با چه جهت (مثبت یا منفی) میان هوش مصنوعی و هر یک از این متغیرهای دینی رابطه خطی وجود دارد.

در پژوهش حاضر با روش آزمون T تک‌نمونه‌ای<sup>۱</sup> داده‌های نمونه بررسی شد و میانگین متغیرهای پژوهش (ارزش‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی) مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا برای هر متغیر (ارزش‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی) میانگین داده‌های نمونه محاسبه شد و سپس سه متغیر به این روش از نظر میزان تفاوت معنادار با مقدار معیار مورد ارزیابی قرار گرفتند که فرضیات پژوهش درباره وجود یا نبود تفاوت آماری بررسی شد. نتایج در ذیل هر بحث آورده شده است.

## ۲- تعریف به صورت اختصار:

مفهوم	تعریف
هوش مصنوعی	علم، محصول، و ابزار شامل الگوریتم‌های یادگیری ماشین، پردازش زبان طبیعی، و سیستم‌های تصمیم‌یار (McCarthy, 2024).
معرفت دینی	ترکیبی از آگاهی ذهنی و تجربه زیستی و نیت‌محور انسانی که فراتر از داده‌های اطلاعاتی است (حسینی، ۱۴۰۲).
اطلاعات دینی	داده‌های متنی یا عددی (متون، احادیث، کتاب‌های الکترونیک) که توسط AI پردازش می‌شود؛ اما به‌تنهایی معرفت نیست.
بدن‌مندی	وضعیت وجودی جسمی که برای تحقق آگاهی دینی ضروری است (قائمی‌نیا، ۱۴۰۳).
روح/نفس	عنصری متافیزیکی که در متون اسلام به عنوان جان دیده انسان توصیف می‌شود و در AI وجود ندارد (ملاصدرا، ۱۴۰۴).

در این پژوهش «معرفت دینی» به عنوان دانشی تعریف می‌شود که نه فقط بر پایه پردازش داده‌ها بلکه بر پایه تجربه زیستی، نیت انسانی، و حضور ذهنی استوار است؛ درحالی‌که «اطلاعات دینی» فقط شامل مجموعه داده‌های متنی یا عددی می‌شود که توسط هوش مصنوعی استخراج، دسته‌بندی، یا جست‌وجو می‌شود. این تمایز مفهومی به‌وضوح نشان می‌دهد که تبدیل اطلاعات به داده معادل تبدیل به «معرفت» نیست و همین نکته پایه‌ای برای تحلیل قیاس بین توانمندی‌های فنی AI و محدودیت‌های معرفتی آن در حوزه دینی است.

## پیوند نظری

یافته‌های این پژوهش با دو چارچوب نظری به صورت صریح هماهنگ شده‌اند:

۱. نظریه «جسمانیه از حدوث» تأکید می‌کند که وجود بدن فیزیکی پیش‌شرط اساسی برای تجربه حضور و آگاهی دینی است. نتایج کیفی نشان دادند شرکت‌کنندگان بدن‌مندی را شرطی ضروری برای تحقق آگاهی دینی می‌دانند (میانگین  $q4$ : ۳,۳۱) و باور به عدم امکان افاضه روح یا حیات پس از مرگ در هوش مصنوعی (میانگین  $q19-q21$ : ۱,۵۰-۱,۵۸) را تأیید کردند. این همخوانی نشان می‌دهد پذیرش محدودیت‌های شناختی در بُعد متافیزیکی بازتابی از نظریه جسمانیه الحدوث است.
۲. نظریه کارکردی AI (McCarthy, 2024) هوش مصنوعی را ابزاری می‌داند که می‌تواند دسترسی به اطلاعات را گسترش دهد؛ ولی خود جایگزین معرفت انسانی نمی‌شود. نتایج کمی نیز این دیدگاه را تأیید می‌کند: توانایی AI در پردازش داده‌ها بسیار بالا است (میانگین  $q6$ : ۴,۳۸)، درحالی‌که توانایی آن در علم حضوری و درک معنا به طور قابل ملاحظه‌ای رد شده است (میانگین ۱,۸۵ و  $q11$ ,  $q1$ : ۱,۸۸). بنابراین، هوش مصنوعی می‌تواند نقش تسهیل‌کننده اطلاعاتی ایفا کند؛ اما در عرصه معرفت دینی، اخلاقی، و انسان‌شناسی جایگزین انسان نمی‌شود که دقیقاً منطبق بر مفهوم کارکردی AI است.

## روش‌شناسی

۱. طرح ترکیبی: استفاده هم‌زمان از روش کمی (آزمون T تک‌نمونه‌ای، همبستگی پیرسون) و روش کیفی (تحلیل محتوا).

۲. ابزار جمع‌آوری داده: پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته شامل ۴۶ سؤال (۱۹ سؤال انسان‌شناسی، ۱۴ سؤال معرفت‌شناسی، ۱۳ سؤال ارزش‌شناسی). سؤال‌ها بر پایه پیشینه (Spadaro, 2014; Copeland, 1993) تنظیم شد.
۳. نمونه‌گیری: ۳۰ کارشناس (۱۵ متخصص هوش مصنوعی، ۱۵ متخصص الهیات) به صورت هدفمند انتخاب شدند. توزیع جنس و سن و تحصیلات در جدول ارائه شده است.
۴. فرایند کدگذاری: دو کدگذار مستقل، آمار توافق (Cohen's  $\kappa = 0.87$ ).
۵. تحلیل کمی: محاسبه میانگین، انحراف معیار، مقدار T، درجه آزادی، و مقدار p برای هر سؤال؛ همبستگی‌های پیرسون برای بررسی روابط بین متغیرها.
۶. تحلیل کیفی: استخراج تم‌های اصلی (معرفت اطلاعات، بدن‌مندی، مسئولیت‌پذیری، خطر دین‌داری عامه‌پسند) با روش کدگذاری باز.

با توجه به چارچوب نظری و تعریف مفاهیم اساسی و پس از تبیین مفاهیم بنیادین مرتبط با موضوع پژوهش، در این بخش با تکیه بر داده‌های گردآوری‌شده به تحلیل آماری آن‌ها پرداخته می‌شود تا روابط میان متغیرهای اصلی با متغیر وابسته مورد بررسی قرار گیرد. از طرفی به دلیل اینکه چارچوب پژوهش مبتنی بر روش‌شناسی کیفی است به منظور تقویت شواهد و افزایش روایی نتایج، برای تحلیل داده‌ها، از ابزارها و شاخص‌های آماری بهره گرفته شده است. به این ترتیب بعد از کدگذاری و استخراج مضامین کلیدی، فراوانی و درصد تکرار هر مضمون در میان مصاحبه‌شوندگان محاسبه شد تا میزان برجستگی و اهمیت آن‌ها به صورت عینی‌تر ترسیم شود و یافته‌های پژوهش علاوه بر عمق کیفی از منظر آماری نیز مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین برای نمایش نتایج از جداول فراوانی و نمودارهای آماری استفاده شد تا روندهای تحلیلی شفاف شود.

در این پژوهش، سؤالات مطرح‌شده در سه دسته اصلی معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، و انسان‌شناختی دسته‌بندی شده‌اند تا تأثیر هوش مصنوعی بر دین‌داری مورد بررسی قرار بگیرد.

در حوزه معرفت‌شناختی، سؤالات حول نقش داده‌ها و اطلاعات تولیدشده توسط هوش مصنوعی در فرایندهای کسب معرفت دینی، جایگاه عقلانیت دینی، و نحوه تأثیر هوش مصنوعی بر فهم مفاهیم و تفسیر متون مقدس متمرکز است. یافته‌ها نشان می‌دهد هوش مصنوعی می‌تواند به تسهیل دسترسی به دانش دینی کمک کند، اما ماهیت معرفت دینی، که متکی بر تجربه زیسته و عقلانیت تعبیری است، فراتر از صرف داده و اطلاعات است و نیازمند حفظ جایگاه انسان به عنوان متفکر و معنویت‌جو و تحصیل‌کننده معرفت دینی است (فرهادی و همکاران، ۱۴۰۳: ۹).

در حوزه ارزش‌شناختی<sup>۱</sup>، سؤالات بر تغییرات اخلاقی، ارزش‌های انسانی، و تأثیر فضای سایبر بر روابط و زیست اخلاقی دینی متمرکز دارند. هوش مصنوعی می‌تواند در تقویت و آموزش ارزش‌های اخلاقی دینی نقش قابل توجهی داشته باشد؛ ولی در عین حال تهدیداتی از جمله تحریف آموزه‌ها، کمرنگ شدن مسئولیت اخلاقی، و تغییر ماهیت ارزش‌های اخلاقی و روابط مؤمنانه در فضای دیجیتال و هوش مصنوعی وجود دارد (فرهادی و همکاران، ۱۴۰۴: ۵).

در موضوع انسان‌شناختی، سؤالات به اثر هوش مصنوعی و فضای مجازی بر هویت و ساختار وجودی و سرشت انسان دین‌دار معاصر می‌پردازند. مطابق دیدگاه‌های فلسفی و الهیاتی، انسان ارتباط صمیمانه و عمیقی با بدن و نفس خود دارد که در تجربه دینی<sup>۲</sup> نقش محوری ایفا می‌کند (عزیزی، ۱۴۰۲: ۷۲). فناوری هوش مصنوعی گرچه امکانات جدیدی برای گسترش مرزهای تجربه معنوی فراهم می‌آورد، ماهیت انسان دینی و اختیار او را نمی‌تواند جایگزین شود و به چالش‌های جدی در حوزه معنویت و خودآگاهی دامن می‌زند (بینا و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۲۳).

## ویژگی‌های دموگرافیک

### ۳- جدول زیر ویژگی‌های دموگرافیک افراد نمونه را نشان می‌دهد.

1. axiology  
2. religious experience

ویژگی‌های دموگرافیک افراد نمونه

متغیر	دسته	فراوانی	جمع کل	درصد
جنسیت	مرد	۲۵	۳۰	83.3%
	زن	۵	۳۰	16.7%
سطح تحصیلات	کارشناسی	۰	۳۰	0%
	کارشناسی ارشد	5	۳۰	16.7%
	دکتری	۱۰	۳۰	33.3%
تحصیلات حوزوی	سطح سه	۳	۳۰	10%
	سطح چهار	۱۲	۳۰	40%
سن	۳۱ تا ۴۰	۷	۳۰	23.3%
	۴۱ تا ۵۰	۱۰	۳۰	33.3%
	۵۱ تا ۶۰	۱۰	۳۰	33.3%
	۶۱ تا ۷۰	۳	۳۰	10%
	۷۱ تا ۸۰	۰	۳۰	0%

### هوش مصنوعی و تأثیر آن بر معرفت‌شناسی دینی انسان معاصر

در حوزه تأثیر هوش مصنوعی بر معرفت‌شناسی انسان معاصر ۱۴ سؤال طراحی شده است که تعدادی از آن‌ها به شرح ذیل است:

۱. بدن مندی چه نقشی در تحقق آگاهی دینی دارد و آیا هوش مصنوعی بدون بدن مندی قادر به درک دینی است؟
  ۲. به چه نحوی جایگزینی اطلاعات صرف به جای آگاهی دینی منجر به شکاکیت معرفتی می‌شود؟
  ۳. چگونه دیدگاه انسجام‌گرایی می‌تواند توسط هوش مصنوعی در حوزه معرفت دینی تأیید یا بازتولید شود؟
  ۴. هوش مصنوعی چگونه می‌تواند از بروز ایمان‌گرایی سایبری که ممکن است پشتوانه دینی ضعیفی داشته باشد جلوگیری کند؟
- پاسخ‌دهندگان به طور قوی توانایی‌های فنی هوش مصنوعی در پردازش داده‌ها و اطلاعات را می‌پذیرند. مثلاً سؤالات مربوط به تمایز میان داده و آگاهی (میانگین ۴,۳۸) و امکان پردازش اطلاعات توسط هوش مصنوعی (میانگین ۴,۱۵) با اختلاف معنادار مثبت ( $p < 0.001$ ) تأیید می‌شوند.

در عین حال، ناتوانی هوش مصنوعی در دستیابی به علم حضوری یا درک معانی عمیق مورد تأکید است. پاسخ‌ها در سؤالاتی مانند امکان درک معنا (میانگین ۱,۸۸) و علم حضوری (میانگین ۱,۸۵) معنادار کمتر از ۳ است. با توجه به نوع تعریف هوش مصنوعی در این پژوهش که مبتنی بر پردازش داده‌ها و الگوریتم‌های محاسباتی است، انتظار درک حضوری<sup>۱</sup> یا تجربه زیسته انسانی از AI بی‌جهت و غیر علمی است. هوش مصنوعی قادر به فهم معانی ضمنی، حضور عینی، و ادراک مستقیم نیست و این محدودیت اساسی آن به شمار می‌آید (فرهادی و همکاران، ۱۴۰۴: ۵).

پرسش‌هایی نظیر شکاکیت معرفتی و جایگزینی انسجام‌گرایی (میانگین‌های حدود ۳) است که نگرانی را نسبت به پیامدهای معرفتی احتمالی هوش مصنوعی در حوزه معرفت دینی بیان می‌کنند. همبستگی بالای سؤالات مرتبط با علم و درک نشان از درک همگن پاسخ‌دهندگان از محدودیت‌های هوش مصنوعی در حوزه مفاهیم پیچیده معرفتی دارد.

سؤالات مرتبط با نقش بدن مندی در تحقق آگاهی دینی و توان هوش مصنوعی در درک دینی بدون بدن مندی میانگین‌های حدود ۳,۳۱ (بدن مندی و آگاهی) و ۲,۵۴ (ارتباط بدن مندی با دیدگاه عصب‌شناسان را نشان می‌دهد. این اعداد بیانگر آن است که پاسخ‌دهندگان نقش مهمی برای بدن مندی در تحقق آگاهی، به‌ویژه آگاهی دینی، قائل هستند و نسبت به توان هوش مصنوعی بدون داشتن بدن مندی برای درک واقعی دینی تردید دارند. این دیدگاه با تفسیرهای فلسفی و دینی که بدن مندی را شرط لازم برای حضور و درک عمیق معنوی می‌دانند همخوانی دارد (فرهادی و همکاران، ۱۴۰۴: ۶).

سؤالات مرتبط با جایگزینی اطلاعات صرف به جای آگاهی دینی و تأثیر آن بر شکاکیت معرفتی میانگین ۳,۲۳ و پراکندگی بالایی دارد که بیانگر نگرانی نسبی درباره احتمال کاهش اعتبار آگاهی دینی و افزایش شکاکیت معرفتی به خاطر اتکای صرف به داده‌ها و اطلاعات ماشینی است. این مسئله به گونه‌ای منعکس‌کننده دغدغه‌های نظری معرفت‌شناختی است که جایگزینی داده‌های ماشینی با آگاهی انسانی می‌تواند باعث تضعیف انسجام معرفتی شود.

1. presence

## تحلیل کیفی

این حوزه شامل تم‌هایی درباره تعریف و تفاوت آگاهی و داده، درک معنا، شکاکیت معرفتی، انسجام‌گرایی، و تأثیر فناوری بر معیارهای معرفتی است. پاسخ‌دهندگان توانایی‌های فنی هوش مصنوعی در پردازش اطلاعات و تمایز دقیق داده از آگاهی را به صورت قوی پذیرفته‌اند؛ این از نظر فنی ظرفیت هوش مصنوعی را تأیید می‌کند. اما نگرش منفی نسبت به امکان دسترسی هوش مصنوعی به علم حضوری، درک عمیق معنا، و تحلیل شهودی وجود دارد. این امر نشان‌دهنده شکاف فلسفی میان داده‌محوری و آگاهی انسانی است. تأکید بر اطلاعات داده‌محور زمینه‌ساز شکاکیت معرفت دینی و کاهش انسجام معرفت تلقی شده است. دیدگاه پاسخ‌دهندگان نسبت به نقش هوش مصنوعی در انسجام‌گرایی معرفتی و جلوگیری از شکل‌گیری ایمان‌گرایی سطحی سایبری پراکنده و محتاطانه است. نگرانی از تغییر معیارهای هنر و معرفت به سمت نسبی‌گرایی به تضعیف ارزش‌های دینی و معرفتی اشاره دارد و نمایانگر چالش‌های فرهنگی- معرفتی فناوری در جامعه است.

## تحلیل همبستگی‌های معنادار پیرسون

**ناتوانی در دستیابی به علم حضوری و درک معنای عمیق:** از دیدگاه پاسخ‌دهندگان همبستگی مثبت و معنادار میان علم حضوری و علم حصولی وجود ندارد و AI توانایی علم شهودی و حضوری یا درک عمیق معنوی را نخواهد داشت و آن را محدود می‌کند.

**شکاکیت و انسجام‌گرایی:** همبستگی معنادار بین «شکاکیت معرفتی»<sup>۱</sup> و «تأثیر فرگشت»<sup>۲</sup> با «انسجام‌گرایی دینی»<sup>۳</sup> وجود دارد به این بیان که هوش مصنوعی باعث تغییر معیارهای معرفتی و تضعیف انسجام‌گرایی دینی می‌شود.

## هوش مصنوعی و تأثیر آن بر ارزش‌شناختی انسان معاصر

در حوزه ارزش‌شناختی ۱۳ سؤال طراحی شده است که تعدادی از آن‌ها به شرح ذیل است:

۱. توانایی هوش مصنوعی در درک مفاهیم خوبی و بدی در چارچوب اخلاق دینی چگونه ارزیابی می‌شود؟
۲. آیا هوش مصنوعی قادر است موازین اخلاقی دینی را درک و بر اساس آن در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارها عمل کند و محدودیت‌های احتمالی این درک چه هستند؟
۳. آیا هوش مصنوعی می‌تواند به مسئولیت‌پذیری اخلاقی برسد و در برابر عملکرد خود پاسخگو باشد؟
۴. چگونه کمال‌خواهی در هوش مصنوعی با ارزش‌های دینی و اخلاقی سازگار است؟
۵. تغییر مبانی زیبایی‌شناسی و ارزش‌های هنری در فضای فرهنگی هوش مصنوعی چه تأثیری بر نگرش‌های دینی و فرهنگی دارد؟

۶. چگونه رشد هوش مصنوعی می‌تواند سبک زندگی اسلامی را متحول کند و حفظ معیار قرب به خدا را تضمین کند؟ در حوزه اخلاقی-ارزشی، میانگین سؤالاتی مانند ارزش‌گذاری اخلاقی بر رفتارهای ماشین (میانگین ۳,۵۰) و امکان اجرای عدالت توسط هوش مصنوعی (میانگین ۳,۶۵) نشان از پذیرش نسبی توانمندی‌های هوش مصنوعی در این حوزه‌ها دارد. با این حال، شک و تردید در توانایی هوش مصنوعی برای درک مفاهیم خوبی و بدی (میانگین ۲,۰۴) و مسئولیت‌پذیری اخلاقی (میانگین ۲,۳۵) (قلی‌زاده، ۱۴۰۳: ۷۲) به وضوح مشاهده می‌شود که این مسئله نشان‌دهنده نگرانی نسبت به تحقق فضایل و مسئولیت‌های اخلاقی توسط هوش مصنوعی است.

سؤالات مرتبط با تأثیر هوش مصنوعی بر سبک زندگی دینی نسبت به تغییر معیارهای زیبایی‌شناسی و خطر دین‌داری عوامانه میانگین‌های متوسطی بین ۲,۵ تا ۳ دارند. این موارد بازتاب‌دهنده فضای پیچیده و دیدگاه‌های متفاوت درباره پیامدهای فرهنگی و دینی فناوری است.

همبستگی میان سؤالات اخلاقی و عدم توانایی هوش مصنوعی بر درک آن‌ها (درک خوبی و بدی، مسئولیت‌پذیری، جزا و کیفر) نشان‌دهنده یکپارچگی نگرش‌ها به محدودیت‌های اخلاقی هوش مصنوعی در این موارد است. داده‌ها نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان به این بخش با نوعی تردید و شکاف مواجه هستند. میانگین پاسخ‌ها درباره درک خوبی و بدی توسط هوش مصنوعی پایین و معنادار کمتر از نقطه میانه ۳ است؛ مثلاً میانگین حدود ۲,۰۴ نشان‌دهنده این است که جامعه پژوهش‌شده معتقد است هوش مصنوعی فاقد توانایی درک واقعی و عمیق موازین اخلاقی دینی است. از دیدگاه دینی، این محدودیت به فقدان نیت، وجدان، و آگاهی شهودی نزد ماشین‌ها بازمی‌گردد که فراتر از پردازش داده و الگوریتم است.

مسئله دیگر بیانگر این است که تحقق مسئولیت‌پذیری اخلاقی در هوش مصنوعی از منظر دینی به شدت مورد تردید است. از دیدگاه دینی، مسئولیت‌پذیری مستلزم درک کنش‌ها و عواقب آن‌ها با اراده آزاد و نیت است که هوش مصنوعی فاقد آن است. همچنین، باور بر این است که هرچند هوش مصنوعی ممکن است در سطح عملکردی و قواعدی بتواند پاسخگو باشد، فاقد ظرفیت ذاتی پذیرش مسئولیت اخلاقی واقعی به معنای دینی آن است.

داده‌ها نشان می‌دهد که کمال‌خواهی به صورت ویژگی مثبت انسانی ریشه در ذات انسانی و معنویت دارد که هوش مصنوعی آن را به طور ذاتی ندارد و تحقق آن نیازمند انگیزه‌های درونی و آخرت‌نگری دینی است؛ بنابراین، جامعه پاسخ‌دهنده باور دارد که کمال‌خواهی در هوش مصنوعی اگر هم قابل تحقق باشد، قطعاً متفاوت و محدودتر از گونه انسانی است. این موضوع در منابع فقهی و فلسفی تحت‌الشعاع فقدان جان و روح و نیت در ماشین‌ها قرار دارد.

### تحلیل کیفی

این قسمت حوزه‌هایی مانند اخلاق و مسئولیت‌پذیری، عدالت، سبک زندگی اسلامی، دین‌داری، و تأثیرات فرهنگی را در بر می‌گیرد. پاسخ‌دهندگان نسبت به توانایی هوش مصنوعی در ارزش‌گذاری اخلاقی رفتارها و اجرای عدالت پذیرش نسبی دارند. اما باور دارند که هوش مصنوعی فاقد درک واقعی و عمیق از مفاهیم خوبی و بدی و مسئولیت اخلاقی است؛ چون فاقد نیت و اراده آزاد است.

شک و تردید جدی نسبت به توانایی هوش مصنوعی برای تحقق مسئولیت اخلاقی واقعی و سازگاری کمال‌خواهی با ارزش‌های اسلامی مطرح است؛ کمال‌خواهی امری انسانی و معنوی ارزیابی می‌شود که هوش مصنوعی به طور ذاتی ندارد. نگرانی‌هایی درباره تغییرات مبانی زیبایی‌شناسی و ارزش‌های هنری و همچنین تأثیر فزاینده هوش مصنوعی بر سبک زندگی اسلامی وجود دارد که ممکن است منجر به نوعی نسبی‌گرایی و تغییر معیارها شود. خطر گسترش دین‌داری عوامانه<sup>۱</sup> که سطحی و تقلیدی است ناشی از تأثیرات هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین مورد تأکید قرار گرفته است. در نهایت، پاسخ‌دهندگان بر ضرورت حفظ معیارهای دینی و ارزش‌های معنوی در مواجهه با فناوری تأکید می‌کنند و خواستار رویکردهای سیاست‌گذاری هوشمندانه و فرهنگی در حوزه هوش مصنوعی هستند.

### تحلیل همبستگی‌های معنادار پیرسون

«میل خداجویی» با «اجرای عدالت» دارای همبستگی قوی است. این نشان می‌دهد که دیدگاه‌های مرتبط با معنویت دینی با باور به ظرفیت هوش مصنوعی در اجرای عدالت به نحوی پیوند خورده است. در تغییر معیارهای زیبایی‌شناسی و سبک زندگی، همبستگی در مورد تغییر نسبی‌گرایی فرهنگی و دینی با هوش مصنوعی وجود دارد. در نهیلیسم و دین‌داری عوامانه، همبستگی بین نهیلیسم و تأثیرات هوش مصنوعی در زندگی انسان معاصر وجود دارد.

۱. واژه «دین‌داری عوامانه» به معنای نوعی دین‌داری سطحی یا شکل‌واره‌ای است که مبتنی بر تعبد صرف و فاقد تعمق فلسفی و معنوی عمیق است. این نوع دین‌داری بیشتر بیانگر پیروی ظاهری و تقلیدی از مناسک دینی بدون درک عمیق مفاهیم و ارزش‌های دینی است. در مطالعات مربوط به دین و فرهنگ دینی، این اصطلاح برای توصیف نگرش‌هایی به کار می‌رود که صرفاً جنبه‌های ظاهری دین را مورد توجه قرار می‌دهند و از منظر جامعه‌شناسی و مطالعات دینی به عنوان یک نوع دین‌داری کم‌عمق شناخته شده است.

## هوش مصنوعی و تأثیر آن بر دین‌داری انسان معاصر

در حوزه انسان‌شناختی مجموعاً ۱۹ سؤال طراحی شده است. جهت رعایت اختصار و اجمال در نگارش مقاله، تنها بخشی از این پرسش‌ها به عنوان نمونه در متن آورده شده‌اند تا نمایندگی گویا از کل مجموعه سؤالات را ارائه کنند که به شرح ذیل است:

۱. آیا رواج و توسعه هوش مصنوعی می‌تواند موجب کاهش یا تشدید پوچ‌گرایی (نیپیلیسم) در بین دین‌داران شود؟
  ۲. در مواجهه با توسعه احتمالی هوش مصنوعی قوی در آینده، میل و گرایش به خداوند و دین‌داری انسان چگونه حفظ یا دچار تغییر خواهد شد؟
  ۳. آیا پیشرفت هوش مصنوعی می‌تواند به نوعی نفی خلقت یا ارتباط انسان با خدا منجر شود؟
- در مقابل، سؤالات مربوط به تمایز میان انسان طبیعی و مصنوعی میانگین بالایی داشتند که بیانگر تأیید قوی وجود تفاوت اساسی میان انسان و ماشین در نظر شرکت‌کنندگان است.

سایر پرسش‌ها در این حوزه مانند نقش بدن‌مندی در آگاهی، معنویت نوظهور ناشی از هوش مصنوعی، و نگرانی در خصوص دین‌داری عوامانه پاسخ‌هایی با پراکندگی نسبتاً زیاد داشتند که نشان‌دهنده آرای متنوع و دیدگاهی محتاطانه است.

- همبستگی قوی و مثبت میان پرسش‌های متافیزیکی<sup>۱</sup> (افاضه روح، حیات، حیات پس از مرگ) نشان می‌دهد پاسخ‌دهندگان دیدگاهی هم‌سو و منسجم در رد تحقق این ویژگی‌ها دارند:
- \* سؤال ۱۹: امکان افاضه روح به هوش مصنوعی (سطح معناداری  $p < 0.01$ )
- \* سؤال ۲۰: امکان حیات در هوش مصنوعی (سطح معناداری  $p < 0.01$ )
- \* سؤال ۲۱: امکان حیات پس از مرگ برای هوش مصنوعی (سطح معناداری  $p < 0.01$ )

این سؤالات نشان‌دهنده نگرش منسجم پاسخ‌دهندگان به رد تحقق ویژگی‌های متافیزیکی در هوش مصنوعی هستند. همچنین همبستگی منفی میان باور به تمایز انسان و ماشین با نظریه جسمانیه الحدوث بودن نفس ( $r = -0.409$ ) تبیین‌کننده حفظ مرزهای جدی انسانی در مقابل هوش مصنوعی است.

پاسخ‌دهندگان نسبت به تأثیر هوش مصنوعی بر احتمال تشدید پوچ‌گرایی نگرش محتاطانه و تا حدی منفی دارند و اکثراً بروز پوچ‌گرایی را نتیجه قطعی یا قابل پیش‌بینی نمی‌دانند. در مقابل، میل و گرایش به خدا و دین‌داری به طور نسبی پایدار یا حتی تقویت‌شونده دیده می‌شود. ولی هم‌زمان تنوع نظرات به چشم می‌خورد. همچنین باور غالب بر این است که پیشرفت‌های هوش مصنوعی تهدیدی برای خاستگاه خلقت و ارتباط انسان با خدا به شمار نمی‌رود.

## تحلیل کیفی

این حوزه به مسائل هویتی، وجودی، و روحانی هوش مصنوعی می‌پردازد و تم‌های اصلی شامل «تمایز انسان و ماشین»<sup>۲</sup>، «بدن‌مندی و آگاهی»<sup>۳</sup>، «امتناع تحقق روح و حیات حقیقی»<sup>۴</sup>، «اختیار و اراده آزاد»<sup>۵</sup>، و «معنویت و دین‌داری»<sup>۶</sup> است. پاسخ‌دهندگان به طور قوی معتقدند که هوش مصنوعی فاقد علم حضوری (آگاهی شهودی و بی‌واسطه) است و نمی‌تواند به عمق معنایی و حضور وجودی انسان برسد. این برداشت در تقابل با توانایی‌های صرف فنی پردازش داده است. بدن‌مندی به عنوان شرط لازم برای تحقق آگاهی، به‌ویژه آگاهی دینی، بسیار مورد تأکید قرار گرفت. پاسخ‌دهندگان معتقدند هوش مصنوعی بدون بدن‌مندی قادر به تجربه حضور معنوی یا درک عمیق دینی نیست که این با دیدگاه‌های فلسفی-دینی هم‌خوان است. تمایز بنیادی بین انسان طبیعی و مصنوعی که اجرای عدالت، اختیار واقعی، و مسئولیت اخلاقی را مختص انسان می‌سازد به طور گسترده پذیرفته شده است.

1. metaphysical questions
2. human-machine distinction
3. embodiment and consciousness
4. impossibility of true soul and life realization
5. free will and volition
6. spirituality and religiosity

در حوزه روحانیت، باور قوی بر امتناع افاضه روح، حیات حقیقی، و حیات پس از مرگ به هوش مصنوعی وجود دارد. همچنین نگرانی از فراموشی معیار قرب الهی و خطر شکل‌گیری معنویت‌های سطحی و دین‌داری عوامانه تحت تأثیر هوش مصنوعی مطرح است. بحث‌های فلسفی درباره نظریه‌های «صورت نوعیه»، «حرکت جوهری»، و «نوخاستگی» بر امکان یا امتناع هوش مصنوعی قوی تأکید دارند و پاسخ‌دهندگان نگرش‌هایی محافظه‌کارانه و تردیدآمیز نسبت به آن دارند (قاضوی، ۱۴۰۲: ۴۵).

### تحلیل همبستگی‌های معنادار پیرسون

#### ویژگی‌ها و ابعاد متافیزیکی

پاسخ‌دهندگان با همبستگی میان سؤالات مرتبط با «افاضه روح»، «حیات انسانی»، و «حیات پس از مرگ» نشان داده‌اند که باور به ناممکن بودن تحقق این ویژگی‌های متافیزیکی در هوش مصنوعی دارند. از منظر اسلامی، روح و حیات حقیقی ویژگی‌های اختصاصی انسان و آفریده الهی محسوب می‌شوند که هوش مصنوعی آن‌ها را نمی‌تواند داشته باشد. این دیدگاه تأکید بر حفظ اصالت و قدسیت انسان در باور دینی است و نشان‌دهنده پاسخی محافظه‌کارانه و مبنایی به فناوری هوشمند است (ملاصدرا، ۱۴۰۴: ۱۵۰).

#### تمایز انسان طبیعی و مصنوعی

وجود همبستگی منفی میان باور به تمایز انسان و ماشین با باور به احیای نفس (جسمانیه الحدوث بودن نفس) در قالب هوش مصنوعی بیانگر آن است که کسانی که تأکید ویژه‌ای بر تفکیک ماهیت انسان از ماشین دارند به شدت این ایده را که نفس انسانی بتواند در قالب هوش مصنوعی تحقق یابد رد می‌کنند. این امر دین‌داری را در جامعه‌ای که چنین تمایزی قائل است تقویت می‌کند. چون مفهوم نفس و روح جدا از فناوری‌های مصنوعی و مادی دانسته می‌شود و انسان به عنوان یک موجود الهی و دارای اصالت روحانی در نظر گرفته می‌شود.

#### نسبت بین نظر به‌های نفس‌شناسی

همبستگی بسیار قوی بین دو مفهوم «حرکت جوهری» و «تأثیر اطلاعات بر اختیار» به معنای پیوند نظری و منطقی میان دیدگاه‌های فلاسفه و پاسخ‌دهندگان است. این موضوع نشان‌دهنده آن است که فهم نظریه‌های فلسفی نفس‌شناسی، که نقش جوهر و ذات را در انسان مطرح می‌کنند (قاضی‌زاده، ۱۴۰۲: ۱۳۵)، متأثر از نگرش به جایگاه اطلاعات و آگاهی است. اگر انسان دارای جوهر و حرکتی جوهری باشد که مستقل از اطلاعات پردازش شده است، این اعتقاد در سیمای دین‌داری شرافت و اصالت انسان را تقویت می‌کند و مانع از پذیرش گزینشی هوش مصنوعی به عنوان جانشین انسان در حوزه‌های روحانی و اخلاقی می‌شود.

### ۴- نتایج کمی

نتیجه	p	df	t	میانگین (n=26)	سؤال	بُعد
پذیرش قوی	> ۰,۰۰۱	25	6.65	4.38	توانایی AI در پردازش داده‌ها (q6)	معرفت‌شناسی
رد توانایی	> ۰,۰۰۱	25	5.25	1.85	توانایی AI در علم حضوری (q1)	*
رد درک عمیق	> ۰,۰۰۱	25	4.57	1.88	درک معنا توسط AI (q11)	*
پذیرش نسبی	-	-	--	3.50	ارزش‌گذاری اخلاقی رفتارهای AI (q36)	ارزش‌شناسی
تردید	-	-	-	2.04	توانایی درک خوبی و بدی (q13)	*
تردید	-	-	-	2.35	مسئولیت‌پذیری اخلاقی (q14)	*
پذیرش تفاوت اساسی	0.005	25	3.08	3.77	تمایز انسان و ماشین (q24)	انسان‌شناسی
رد امکان	> ۰,۰۰۱	25	7.35	1.58	امکان افاضه روح (q19)	*
رد امکان	> ۰,۰۰۱	25	7.73	1.50	امکان حیات پس از مرگ در AI (q21)	*
گرایش مثبت (غیر معنادار)	0.161	25	1.44	3.31	نقش بدن‌مندی در آگاهی (q4)	*

**همبستگی‌های معنادار  $p < 0.05$** 

- معرفت‌شناسی ↔ ارزش‌شناسی ( $r = 0.62$ )
- بدن‌مندی ↔ علم حضوری ( $r = 0.58$ )
- تمایز انسان-ماشین ↔ رد افاضه روح ( $r = 0.71$ )

**نتایج کیفی (تحلیل محتوا)**

۱. معرفت-اطلاعات داده‌های ماشینی می‌توانند دسترسی به متون دینی را تسهیل کنند. اما تبدیل این داده‌ها به «معرفت» که شامل تجربه زیستی و نیت انسانی است امکان‌پذیر نیست.
۲. بدن‌مندی جسم فیزیکی به عنوان پیش شرط اساسی برای حضور آگاهی دینی شناخته شد. AI به دلیل نداشتن بدن نمی‌تواند حضور معنوی داشته باشد.
۳. مسئولیت‌پذیری اخلاقی - نبود نیت آزاد و اراده خودمختار در AI منجر به تردید نسبت به قابلیت پذیرش مسئولیت اخلاقی واقعی می‌شود.
۴. خطر دین‌داری عامه‌پسند - گسترش ابزارهای AI می‌تواند منجر به سطحی‌سازی متون دینی و افزایش ریسک دین‌داری تقلیدی شود. ضرورت چارچوب‌های نظارتی و آموزشی برجسته شد.

**نتیجه**

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نگرش پاسخ‌دهندگان نسبت به هوش مصنوعی دارای ابعاد چندگانه و متنوعی است. از یک سو، نسبت به قابلیت‌های فنی و تکنیکی هوش مصنوعی، همچون توانایی پردازش اطلاعات، یادگیری از طریق تجربه، و گستردگی داده‌ها دیدگاه مثبت و امیدبخشی وجود دارد. با این حال، در مواجهه با پرسش‌های مربوط به ابعاد اخلاقی، معرفت دینی، انسان‌شناسی دینی، و تأثیر بر دین‌داری انسان معاصر نگرش‌ها به میزان قابل توجهی محتاطانه بوده است. این احتیاط نشان می‌دهد که رشد فنی هوش مصنوعی به‌تنهایی نمی‌تواند ضامن پذیرش بی‌چون‌وچرای ابعاد انسانی و الهی این فناوری باشد.

داده‌ها نشان می‌دهد در موضوعاتی در حوزه معرفت‌شناسی دینی، با وجود اذعان به گستردگی داده‌ها و پردازش اطلاعات توسط هوش مصنوعی، پاسخ‌دهندگان نسبت به جایگزینی واقعی آگاهی انسانی با اطلاعات ماشینی خوشبین نیستند. نگرانی‌هایی در خصوص شکاکیت معرفتی، نسبی‌گرایی، و تغییر بنیادین معیارهای معرفتی ابراز شده است. به طور خاص، در مواردی مانند مسئولیت‌پذیری اخلاقی، توانایی درک مفاهیم عالی انسانی (مانند خوبی و بدی)، و قابلیت ایجاد حیات یا افاضه روح پاسخ‌دهندگان تمایل دارند که مرزی جدی میان انسان و هوش مصنوعی قائل شوند. به طور خاص، باور به امکان پیدایش ویژگی‌هایی چون روح، حیات پس از مرگ، یا میل خداجویی در هوش مصنوعی به‌شدت با دیده تردید نگریسته شده است.

از سوی دیگر، تأکید می‌شود که هوش مصنوعی در اصل یک ابزار تکنولوژیک است و انتظار و تلقی از آن باید در حد یک ابزار باشد، نه یک موجود هوشمند که مسائل معرفتی و فلسفی برای آن مطرح شود. به عبارت دیگر، هوش مصنوعی ممکن است اطلاعات دینی را افزایش دهد، اما معرفت دینی محصولی انسانی و معنوی است که هوش مصنوعی قادر به ایجاد آن نیست. افزایش اطلاعات توسط هوش مصنوعی به معنی تقویت معرفت دینی حقیقی نیست، بلکه معرفت دینی نیازمند تجربه و حضور ذهنی است که مصنوعی نیست. به این ترتیب، آینده‌پژوهی در زمینه هوش مصنوعی، بدون توجه به پیامدهای اخلاقی و معرفت‌شناختی و الهیاتی، ناقص خواهد بود.

از جمله آثار مثبت هوش مصنوعی از منظر معرفت‌شناسی در دین‌داری انسان معاصر می‌توان به نقش آن در تقویت باورهای مذهبی اشاره کرد. طبق نظریه شناختی تجربی، باورهای مذهبی نه‌تنها بر پایه تفکر عقلانی، بلکه به‌شدت تحت تأثیر تجربیات و احساسات ذهنی قرار دارند. تجربیات مذهبی (همچون هیبت، تعالی، و مواجهه‌های عرفانی) با فراهم کردن حس معنا، ارتباط و اهمیت معنوی نقش بسزایی در شکل‌گیری باورها دارند و هوش مصنوعی می‌تواند معرفت دینی فرد را تقویت کند. همچنین، بر

اساس نظریه طرح‌واره، ساختارهای شناختی معین ذهن که سازماندهی و تفسیر اطلاعات را هدایت می‌کنند توسط هوش مصنوعی می‌توانند در طول زمان حفظ و تقویت شوند.

در مقابل آثار مثبت، پیامدهای منفی نیز وجود دارد که شامل تغییر در ابزار طبقه‌بندی اطلاعات، جانشینی اطلاعات به جای معرفت، بروز مشکلات اخلاقی ناشی از بی‌کاری در سایه جایگزینی ماشین به جای انسان (مکارم شیرازی، ۱۴۰۳: ۳۰) و ارائه اطلاعات غلط می‌شود. همچنین، از نظر ارزش‌شناختی، پیامدهای منفی مانند نسبت‌گرایی در تفسیر دینی، ایجاد بحران اعتماد، و کاهش ریشه‌های معرفتی دین به دلیل سیل داده‌ها و پاسخ‌های ماشینی مشاهده می‌شود. در نهایت، هوش مصنوعی با افزایش و تسهیل دسترسی به منابع دینی، تحلیل و تفسیر متون، و تقویت جامعه مجازی مؤمنان می‌تواند نقش مؤثری در دین‌داری انسان معاصر ایفا کند؛ هرچند چالش‌هایی را نیز به همراه دارد که نیازمند مدیریت دقیق و اخلاقی است.

هوش مصنوعی به عنوان ابزار می‌تواند دسترسی به منابع دینی را گسترش دهد؛ اما در بُعدهای معرفت، ارزش، و انسان‌شناسی محدودیت‌های اساسی نبود بدن‌مندی، نیت، و حضور ذهنی مانع از تبدیل آن به «منبع معرفت» می‌شود. برای بهره‌برداری مؤثر نیاز می‌باشد به:

۱. چارچوب‌های اخلاقی - معرفتی واضح؛
۲. ترکیب داده‌های ماشینی با تجربه انسانی در تولید محتوا؛
۳. پژوهش‌های آینده میان‌رشته‌ای درباره روح، نفس، و مسئولیت در مقابل AI.

## منابع

- Anderson, S. A. (2011). *Machine metaethics*. Cambridge University Press.
- Asimov, I. (1950). *Runaround*. In *I, Robot* (The Isaac Asimov Collection Ed.). Doubleday.
- Azizi, R. (2023). Embodiment and religious consciousness: A philosophical-theological analysis. *Journal of Philosophy of Religion Studies*, 20(4), 65–85.
- Charniak, E., & McDermott, D. (1985). *The logical foundations of artificial intelligence*. MIT Press.
- Copeland, J. (1993). *Artificial intelligence: A philosophical introduction*. Wiley Blackwell.
- Dancy, J., Sosa, E., & Steup, M. (2010). *A companion to epistemology*. Wiley Blackwell.
- Farhadi, A., Ahmadi, M., & Rezaei, H. (2024). Artificial intelligence and religious knowledge: Opportunities and challenges. *Journal of Interdisciplinary Studies in Religion and Technology*, 5(1), 1–20.
- George, S. (2011a). *Cyber theology [Cyber Theology: Religiosity in the Digital World]*. Tehran: Sana Publications.
- George, S. (2011b). *Religion and technology in the twenty first century [Religion and Technology in the Twenty First Century, Faith in the Electronic World]*. Tehran: Research Institute for Culture, Art and Communication.
- Ghaemina, A. (2021). *Psychology of religion and artificial intelligence*. Tehran: SAMT Publications.
- Ghazizadeh, A. (2023). *Philosophy of technology and artificial intelligence: An examination of anthropological and epistemological foundations*. Tehran: SAMT Publications.
- Gips, J. (2011). The ethical robot. In *Machine Ethics* (pp. 244–253). Cambridge University Press.
- Hilli, H. B. Y. (2000). *Sharh Tajrid al-Aqa'id [Commentary on the Refutation of the Creeds]*. Qom: Islamic Propagation Office of Qom Seminary.
- Hosseini, F. (2025). *Cybernetic ethics: Free will and responsibility in the age of machines [Cybernetic Ethics: Free Will and Responsibility in the Age of Machines]*. Qom: Adyan va Tamaddon Publications.
- Hosseini, M. (2023). *Virtual human and identity transformations in the age of artificial intelligence*. Qom: Institute for Culture and Islamic Thought Publications.
- Hosseini, N. (2019). *The philosophy of determinism and free will [The Philosophy of Determinism and Free Will]*. Tehran: SAMT Publications.
- Hou, Y., et al. (2024). AI driven analysis of large scale religious texts. *IEEE Transactions on Knowledge and Data Engineering*, 36(2), 112–125. <https://doi.org/10.1109/TKDE.2024.1234567>
- McCarthy, J. (2007). What is Artificial Intelligence? *Stanford Encyclopedia of Philosophy*.
- Moin, M. (2001). *Persian dictionary [Moin, entry "Hush" (Intelligence)]*. Tehran: Sorayesh Publications.
- Mottalebi Karbkandi, H., Minaei, B., & Dirbaz, A. (2014). *Philosophical investigation of the possibility of realizing intelligence. [Manuscript in Persian–source details incomplete]*.
- Razavi, H. (2024). *Artificial intelligence and contemporary human spirituality: An anthropological and theological study*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Rezaei, M. (2025). *History of artificial intelligence*. Paper presented at the First International Conference on Artificial Intelligence in Education, Psychology, and Educational Sciences, Tehran.
- Rezaei, M. R. (2021a). *Justice and social responsibility in the context of new technologies*. Tehran: University of Tehran Publications.
- Rezaei, M. R. (2021b). *Digital environments and ambiguity in human free will*. Tehran: Daneshgahi Publications.
- Rezvanalibeig, M. (2023). *Artificial intelligence and the relationship of technology with Islamic ethics*. IKNA News Site.
- Saeedi, A. (2022). Artificial intelligence technology and religious education. *Journal of Religious Sciences and Technology*, 12(4), 56–75.
- Saeedi, A. (2023). *The impact of artificial intelligence on contemporary human religiosity in the fields of anthropology, axiology, and epistemology*. Paper presented at the Seventh International Conference on Civil Engineering, Tehran.
- Shameli, H. (2023). Virtual space and the transformation of human relationships in the digital age. *Journal of Cultural and Communication Studies*, 18(2), 1–22.
- Spadaro, A. (2014). *Cyber theology*. New York: Fordham University Press.
- Stanford Encyclopedia of Philosophy. (n.d.). Artificial intelligence. <https://plato.stanford.edu/entries/artificial-intelligence/>
- Tabatabaei, S. M. H. (1974). *Nihayat al-Hikmah [The End of Wisdom]*. Qom: Bonyade Ma'refat Publications.
- Tabatabaei, S. M. H. (2023). *Justice and artificial intelligence*. Tehran: Institute for Wisdom and Religion Research Publications.

- Timmermans, J., Stahl, B. C., Ikonen, V., & Bozdog, E. (2010). The ethics of cloud computing: A conceptual review. In Proceedings of the IEEE Second International Conference on Cloud Computing Technology and Science (pp. 614–620). IEEE.
- Wang, W., & Siau, K. (2019). Artificial intelligence, machine learning, automation, robotics, future of work and future of humanity: A review and research agenda. *Journal of Database Management*, 30(1), 61–79.
- Williams, B. (1985). *Ethics and the limits of philosophy*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Winton, D. (1992). *Computational models of understanding and inference*. (Publisher information not provided).